

نورالدین کیانوری

گام‌های مثبت تازه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

پیش و پاسخ ۲۰ مهرماه ۱۳۶۰





انتشارات حزب توده ایران، ۱۶ آذر، شماره ۶۸.

کیانوری، نورالدین

گام‌های مثبت تازه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

چاپ اول، مهر ۱۳۶۰

حق چاپ و نشر برای شرکت سهامی خاص انتشارات توده محفوظ است.

۳	انتخابات ریاست جمهوری
۴	پاسخ امام به نامه ریاست مجلس شورای اسلامی
۵	مسافرت‌های هیئت‌های نمایندگی ایران به کشورهای دیگر
۸	پیرامون رویدادهای اخیر مصر
۱۱	بمباران انبارهای نفتی کویت و تحریمات آمریکا
۱۴	درباره برخی موضعگیری‌های مخالف سیاست حزب

طی چند هفته اخیر ما فرصت نداشتیم درباره مسائل جاری مملکت صحبت کنیم . امروز پرسش‌های زیادی رسیده که من می‌کوشم تا آنجا که وقت و طول نوار اجازه بدهد ، به آنها پاسخ بگویم . همین جا می‌خواهم به طور گذرا یادآور شوم که امروز تقریباً مصادف است با آغاز سومین سال جلسات "پرسش و پاسخ" ما . اولین جلسه "پرسش و پاسخ" را ما روز شانزدهم مهرماه سال ۱۳۵۸ تشکیل دادیم که امروز دوسال از آن تاریخ می‌گذرد . پس سومین سال "پرسش و پاسخ" را آغاز می‌کنیم :

انتخابات ریاست جمهوری

س: انتخاب حجت‌الاسلام خامنه‌ای را به ریاست جمهوری چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ج: سعی می‌کنم به این پرسش بطور کوتاه پاسخ بدهم . همانطور که می‌دانید نظر ما نسبت به نامزدی ریاست جمهوری حجت‌الاسلام خامنه‌ای از همان آغاز کاملاً مثبت بود . از همان لحظه‌ای که کاندیداتوری ایشان مطرح شد ، حزب با انتشار اعلامیه‌ای از همه اعضا و هواداران خود و همه نیروهایی که برای نظر حزب احترام قایل هستند ، دعوت کرد که به حجت‌الاسلام خامنه‌ای رای مثبت بدهند . این یک وظیفه عمومی بود برای درهم شکستن توطئه امپریالیسم آمریکا که پس از انجام توطئه قتل شهید رجایی و شهید دکتر باهنر ، به اشکال گوناگون و از جمله با ایجاد رعب و وحشت از

این که اتفاقاتی روی خواهد داد و خواهند گشت و خواهند زد و از این صحبت ها ، سعی داشت نگذارد انتخابات رئیس جمهور کشور بطور طبیعی انجام گیرد و رای دهندگان بطور وسیع در انتخابات شرکت کنند . نتیجه انتخابات و تعداد آرای که به حجت الاسلام خامنه ای داده شد ، هم از لحاظ درهم شکستن این توطئه امپریالیسم آمریکا و دشمنان انقلاب ایران و هم برای شخص آقای خامنه ای به عنوان مبارز پیگیر ضدامپریالیست و طرفدار توده های محروم ، نمایش بسیار دلپذیری بود .

ما در تبریزی که بدین مناسبت برای رئیس جمهور منتخب مردم فرستادیم ، مراتب خرسندی کامل خودمان را از این موفقیت در انتخاب سومین رئیس جمهور ایران بطور خیلی روشن ابراز داشتیم و امیدوار هستیم که رئیس جمهور جدید جمهوری اسلامی ایران در اجرای برنامه ای که در نطق پیش از انتخاب خود ، به عنوان برنامه سیاسی ریاست جمهوری اعلام کرده بود ، کاملاً موفق شود . این برنامه ، آنطور که ما استنباط کرده ایم ، در جهت تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب ضدامپریالیستی ، ضد استبدادی و مردمی مبین ما است . همانطور که در نامه تبریک ما تصریح شده است ، حزب ما از این برنامه رئیس جمهور جدید ، تمام و کمال پشتیبانی خواهد کرد .

از همین هفته فعالیت رسمی رئیس جمهور آغاز خواهد شد . ما خیلی علاقمندیم که رئیس جمهور جدید که در نتیجه توطئه ترور جنایت بار ضدانقلاب و بطور کلی در نتیجه فشارهای زندان و مبارزات پرشور دوران گذشته زندگی اش ، کمی دچار ضعف تندرستی شده بود ، هرچه زودتر ، تندرستی کامل خود را بازیابد و بتواند با تمام انرژی به انجام برنامه ای که از ارزش های بسیار برخوردار است ، بپردازد .

همان طور که گفتیم ، مسئله عمده این انتخابات مشقت محکمی است که مردم ایران با رای بسیار متمرکز خود ، با رای که از دو انتخابات گذشته ریاست جمهوری بیشتر بود ، بردهان امپریالیسم آمریکا کویدند و پوزهاش را به خاک مالیدند . ما معتقدیم که این روند تشدید خصلت ضدامپریالیستی و در درجه اول ضدآمریکایی انقلاب ما ، در آینده هم به همین صورتی که طی دو سال اخیر مشاهده شده است ، بیش از پیش عمیق خواهد شد و انقلاب ایران در موضع گیری قاطع ضدامپریالیستی خود ، ضربیه های تازه ای بر امپریالیسم وارد خواهد ساخت و گام های تازه ای بسوی پیروزی برخواهد داشت .

پاسخ امام به نامه ریاست مجلس شورای اسلامی

س: لطفاً نظر خود را درباره نامه رئیس مجلس شورای اسلامی به امام

ج: این نامه ، بطوری که می دانیم ، مربوط است به اجرای بعضی از قوانینی که در گذشته در مجلس به تصویب رسیده یا قرار است به تصویب برسد ، ولی در شورای نگهبان به علت برخی موضع گیری ها ، در رابطه با قوانین اسلامی ، معطل مانده اند و حال آنکه این قوانین برای زندگی اجتماعی کشور و برای انقلاب اهمیت بسیار زیاد دارند . پاسخ امام که رهنمود و فتوای ایشان است ، بالاخره راه را برای اجرای این قوانین هموار کرده است . اگر استنباطی که امروز در مطبوعات و به خصوص در روزنامه اطلاعات از این نامه و پاسخ آن شده است ، دقیق باشد (و ما هم چنین استنباطی داریم) ، سد بزرگی از سر راه بسیاری از قوانینی که برای جامعه ایران ، برای تعمیق انقلاب ایران ، برای تامین منافع محرومان جامعه ، یعنی توده های دهها میلیونی زحمتکشان شهر و روستا ضرورت حیاتی دارند ، برداشته شده است . تاخیر در اجرای این قوانین انقلاب را به دشواری های زیاد دچار خواهد کرد و امید محرومان و مستضعفان جامعه را به انقلابی که با خون خود و با ایثار کم نظیری در تاریخ به ثمر رسانده اند ، ضعیف خواهد کرد . ما خیال می کنیم که این فتوای امام راه را برای از بین بردن این سد که به مشکل بزرگی تبدیل شده بود ، باز کرده است . امید می رود که مجلس شورای اسلامی در آینده بتواند آن سلسله از قوانینی را که در این زمینه ضرورت می برم دارند و تعویقشان زیان های جبران ناپذیری به انقلاب خواهد زد ، به سرعت تصویب کند و دولت به اجرای آنها بپردازد . بهر صورت ما به این گام بزرگ که در تسریع روند تکامل انقلاب نقش تعیین کننده خواهد داشت ، بنا خوش بینی می نگریم و امیدواریم که این خوش بینی واقعیت پیدا کند .

مسافرت های هیئت های نمایندگی ایران به کشورهای دیگر

س: اخیرا مسافرت های زیادی از سوی هیئت های مختلف نمایندگی جمهوری اسلامی ایران به کشورهای دیگر انجام گرفته است . تاثیر این مسافرت ها و تماس هایی که در جریان آنها گرفته شده ، چیست ؟

ج: مسافرت های مهمی که انجام گرفته یکی مسافرت هیئت نمایندگی ایران است به جمهوری دمکراتیک خلق کره ، مسافرت وزیر خارجه ایران است به لیبی برای شرکت در اجلاس سران کشورهای جبهه پایداری ، مسافرت هیئت نمایندگی ایران به کوبا برای شرکت در کنفرانس بین المجالس است و مسافرت وزیر خارجه ایران برای شرکت در جلسه سالیانه سازمان ملل متحد

است. ارزیابی ما نسبت به همه این مسافرت‌ها ارزیابی بسیار مثبتی است. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با این گام‌ها خود را از انزوایی که در نتیجه سیاست لیبرال‌ها بوجود آمده بود، بطور محسوس بیرون می‌آورد و می‌کوشد نقش فعالی در زمینه شناساندن انقلاب ایران به جهان و یافتن امکانات مثبت در جهان به سود انقلاب ایران، ایفا کند.

مسافرت هیئت نمایندگی ایران به ریاست رئیس مجلس شورای اسلامی ایران به جمهوری دمکراتیک خلق کره، اولین مسافرت رسمی یک هیئت نمایندگی بلندپایه جمهوری اسلامی ایران به یک کشور سوسیالیستی است. ما برای این مسافرت و نتایجی که گرفته شده ارزش خیلی زیاد قائل هستیم و امیدواریم که این مقدمه برخورد تازه‌ای باشد به جبهه عظیم نیروهای پشتیبان انقلاب ایران یعنی جامعه نیرومند کشورهای سوسیالیستی و مجموعه جنبش گسترده ضدامپریالیستی در سراسر جهان.

در ارزیابی‌هایی که طی مسافرت هیئت‌های نمایندگی ایران انجام گرفته، مسائل گوناگونی مطرح شده است که ما بحث درباره همه آنها را لازم نمی‌دانیم. برای نمونه یکی از مسائلی را که در این زمینه مطرح شده است، در نظر می‌گیریم. این طرز قضاوت‌ها نشان می‌دهد که اطلاعات دولتمردان ایران از واقعیت کشورهای سوسیالیستی و بطور کلی از سوسیالیسم واقعا موجود خیلی محدود و بیشتر متاثر است از اطلاعاتی که نه از منابع مستقیم خود سوسیالیسم واقعا موجود و نه از تاریخ واقعی آن، بلکه از منابع بدخواهان و دشمنان سوسیالیسم، گرفته شده است. می‌دانیم که امپریالیسم و ارتجاع، سوسیالیسم را در ایران با یک چهره بکلی تحریف شده در مقیاسی وسیع تبلیغ کرده و خواسته‌اند که قیافه وحشتناکی از آن نشان بدهند. مثلا هیئت نمایندگی ما در کره، چون خودشان مستقیما با واقعیت سوسیالیسم روبرو شده‌اند، بطور مشخص دیده‌اند که در جمهوری دمکراتیک خلق کره مادی‌گرایی و اقتصاد مرکز تمام فعالیت‌های اجتماعی نیست، بلکه انسان در مرکز این فعالیت قرار دارد. خوب اگر دولتمردان ما، در میان مبارزان مسلمان، کمی با سوسیالیسم واقعا موجود، با سوسیالیسم آنطوری که در واقع هست، آشنایی دقیق‌تری داشتند، می‌دانستند که سوسیالیسم از آغاز خودش اصلا انسان و تامین نیکبختی واقعی انسان را هدف اصلی فعالیت خود قرار داده است. قانون اساسی سوسیالیسم که ده‌ها سال پیش از این تصویب شده و از طرف همه پیروان سوسیالیسم علمی مورد قبول قرار گرفته است، تامین نیازمندی‌های مادی و معنوی همواره روبه افزایش انسان‌ها را هدف فعالیت اجتماعی قرار داده است. به بیان دیگر فعالیت اقتصادی وسیله‌ای است هم برای تامین حوائج مادی انسان و هم برای تامین حوائج معنوی‌اش. پس این تصور که گویا در سوسیالیسم آدم‌هایی هستند که فقط می‌خورند و می‌خوابند و این‌ور و آن‌ور می‌روند و از معنویت انسانی و هر آن چه که انسان را به درجه انسان واقعی می‌رساند، بی‌بهره‌اند، نشانه نارسایی کامل آشنایی دولتمردان ما با

واقعیت سوسیالیسم است. انتظار ما این است که در آینده همین برخورد ها، همین مسافرت ها و آشنایی ها با سوسیالیسم واقعا موجود به دولتمردان ایران که در مواضع جدی مردمی و ضد امپریالیستی یعنی در مواضعی قرار دارند که قابل ستایش و مورد پشتیبانی کامل همه پیروان سوسیالیسم علمی است، در رسیدن به حقایق عینی کمک کند. این آشنایی ها، بی شک در روند شناخت دوستان و دشمنان انقلاب ایران از طرف مسئولان جامعه کنونی جمهوری اسلامی ایران تاثیر بسزا و مثبتی خواهد داشت و به بهره گیری از امکانات وسیع بالقوه ای که انقلاب ایران در مبارزه علیه امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، علیه صهیونیسم در منطقه و علیه ارتجاع داخل کشور در اختیار دارد، بطور موثر کمک خواهد کرد.

در مورد مسافرت وزیر خارجه ایران به لیبی به نظر ما این مسافرت هم موفقیت آمیز بود. علی رغم تلاش های طولانی که محافل آمریکازده لیبیرال ایران بکار بردند تا مناسبات ایران را با کشورهای جبهه پایداری مخدوش کنند، با مسافرت حجت الاسلام رفسنجانی به کشورهای لیبی و الجزایر و سوریه و سپس با مسافرت وزیر خارجه کنونی به لیبی، این مناسبات بر پایه محکمی قرار گرفته و ما امیدواریم نهالی که کاشته شده هر روز بهتر آبیاری شود و قوت بیشتری بگیرد و ایران بطور فعال و همه جانبه در کنار سایر نیروهای جبهه عظیم ضد امپریالیستی جهان قرار گیرد.

مسافرت وزیر خارجه ایران به سازمان ملل متحد نیز موفقیت آمیز بود. شرکت در این جلسات عمومی بین المللی تمام کشورها به ویژه از آن جهت ضرورت دارد که بتوان صدای انقلاب ایران را به گوش توده های مردم کشورهای دیگر رسانید و آنها را با واقعیت و با محتوای ضد امپریالیستی، ضد صهیونیستی، ضد استبدادی، مردمی، ضد غارتگری انقلاب ایران آشنا کرد. به نظر ما این کمکی است به جبهه جهانی ضد امپریالیستی و نبرد جهانی نیروهای ضد امپریالیستی و در عین حال گامی است برای نیرو گرفتن از این جبهه جهانی به سود پیروزی و پیشرفت انقلاب ایران.

مسافرت هیئت نمایندگی ایران به کوبا برای شرکت در کنفرانس بین المجالس به نظر ما در مجموع خودش مسافرت مثبتی بوده است. بطوری که از گفتار دیروز یکی از نمایندگان مجلس که در این مسافرت شرکت کرده بود و از لابلای نوشته های روزنامه اطلاعات و غیره و بویژه از گفته های حجت الاسلام داعایی و حجت الاسلام خاتمی سرپرستان روزنامه اطلاعات و کیهان درباره دیدار با رفیق فیدل کاسترو برمی آید، نتایج این مسافرت، به رغم برخی نارسایی هایی که در کار هیئت نمایندگی ایران وجود داشت، در مجموع بسیار مثبت بوده و تاثیرش در هیئت نمایندگی ایران هم بسیار مثبت بوده است.

امیدواریم این روند ادامه یابد و مسافرت ها و تماس های دیگری هم با همه کشورهایی که در جبهه متحد ضد امپریالیستی جهانی قرار دارند، انجام

گیرد، امکانات وسیعی که در این زمینه وجود دارد، بررسی شود و از این امکانات بهره‌گیری لازم به عمل آید.

ما بارها گفته‌ایم که انقلاب ایران در درازمدت، با توجه به دسایس پایان‌ناپذیر امپریالیسم، تنها در چارچوب همکاری صمیمانه و صادقانه و برابر حقوق با همه کشورهای که در جبهه ضدامپریالیستی جهانی قرار دارند و در درجه اول با کشورهای سوسیالیستی، می‌تواند با صرف کمترین نیرو و دادن کمترین تلفات و خسارات به آماج‌های اساسی خود دست یابد.

برای این که دشمن، امپریالیسم آمریکا، بسیارها رو نیرومنداست، فوق‌العاده غدار و مکار است، بی‌نهایت جنایتکار است و برای در هم شکستن انقلاب ایران از هیچ تمهکاری فروگذار نیست. آقای هیگ خیلی صاف و پوست‌کنده گفته‌است که ما آنچه که در توان داریم، بکار خواهیم انداخت برای این که در ایران حکومتی روی کار بیاید که با ارزش‌های غربی مطابقت داشته باشد.

این یعنی چه؟ این یعنی حکومتی نظیر رژیم منفور گذشته با ساواکش روی کار بیاید، حکومتی نظیر رژیم ضیاءالحق، نظیر عربستان سعودی، نظیر ترکیه بیاید. خلاصه آمریکا برای ضربت زدن به انقلاب ایران به همه کاری حاضر است. و ما در طول مدت نزدیک به سه سالی که از انقلاب می‌گذرد، به اندازه کافی تجربه اندوخته‌ایم که دیگر لازم نباشد در کتاب‌ها و رمان‌ها بگردیم و ببینیم که آمریکا برای درهم شکستن یک انقلاب چه جنایاتی می‌تواند مرتکب شود. ما نمونه همه‌نوع جنایات آمریکا را داریم. نمونه‌های کودتایی‌اش را داریم، ارتش پیاده‌کردنش را داریم، فشارهای اقتصادی‌اش را داریم، تخریب، ترور و گشتار رهبران کشور را داریم، همه این تجربه‌ها را داریم. یعنی آمریکا از همه این وسایل و از وسایل شیطانی‌تر از آن هم استفاده خواهد کرد برای اینکه انقلاب ایران را بشکست و روبرو کند. در چنین شرایطی ما علاوه بر اتکاء به نیروی لایزال انقلابی خلق‌های میهن‌مان که واقعا هم نیروی عمده و اصلی پیروزی و موفقیت انقلاب ایران است، به کمک نیروهای ضدامپریالیستی سراسر جهان نیز احتیاج داریم و باید با تمام نیرو از آن بهره‌گیری کنیم.

پیرامون رویدادهای اخیر مصر

س: حوادث مصر و سودان و رویدادهای هفته‌های اخیر منطقه را چگونه تحلیل می‌کنید؟

ج: البته در این جا یک مسئله کلی مطرح هست و یک مسئله خاص. مسئله کلی این است که در شاخ آفریقا و خاور نزدیک و منطقه خلیج فارس

تحت تاثیر همان عواملی که انقلاب ایران به پیروزی رسید، اکنون یار دیگر زمین زیرپای سلطه گران جهانی و دست نشانده گانشان به لرزه درآمده است. در کشورهایی که امپریالیسم در آنجا نیز مانند ایران، دیر زمانی توانسته بود جو گورستانی و "ثبات گورستانی" برقرار کند، اکنون زمین زیر پای مزدورانش خالی می شود. در سودان طی دو ماه اخیر لرزش های جدی دیده ایم، نظیر آن چه که در اوایل سال ۱۳۵۷ در ایران آغاز شد. در کشوری که ناظران جهانی تصورش را به این زودی نمی کردند، یعنی در مصر، وضع متلاطم شده، نیروهای ضد دولتی در چند هفته اخیر به تظاهرات وسیعی دست می زنند، ده ها هزار نفر در تظاهرات علیه سادات شرکت کردند و سرانجام کار به اعدام انقلابی سادات رسید. من از کاربرد لفظ ترور در مورد سادات خودداری می کنم و لفظ "اعدام انقلابی" را بکار می برم تا نظر خودمان را درباره این بازی که در مطبوعات ایران و در بعضی محافل انجام گرفته و طبق آن گویا آمریکا خودش سادات را برکنار کرده است، به طور روشن بیان کرده باشم. ما به هیچ وجه چنین نظری نداریم. اعدام انقلابی سادات واکنش خشم مردم انقلابی مصر در قبال خیانت های طولانی سادات به منافع ملی مصر، به منافع ملی خلق های عرب، به منافع خلق فلسطین، به منافع تمام نیروهای ضد امپریالیستی است. خیانتی که سادات کرد، آن خیانتی است که در تاریخ به عنوان یک خیانت بزرگ، یک خیانت کثیف ثبت خواهد شد. اعدام انقلابی سادات، جلوه ای از خشم نیروهای انقلابی مصر، نسبت به این خیانت ها است. این تصور که گویا آمریکا خودش سادات را از بین برده است، به نظر ما ساده بینانه و ناشی از یک برداشت به کلی نادرست است. به نظر ما هم ساده بینانه است و هم ناشی از یک برداشت اهانت آمیز نسبت به نیروهای انقلابی مصر. اگر این اعدام انقلابی که در یک لحظه بسیار حساس یعنی درست در لحظه ای انجام گرفت که سادات آماده شده بود ارتش آمریکا را وارد صحرای سینا کند، به امپریالیسم آمریکا نسبت داده شود، مثل این است که به نیروهای انقلابی گفته بشود که شما مزدوران امپریالیسم آمریکا هستید. چقدر برای ما انقلابیون ایران گران بود، اگر گفته می شد مبارزاتی را که علیه شاه می کردید، خود آمریکا ترتیب می داد، چون از "شاه خسته شده بود". چنین تصور و چنین ادعائی سراپا نادرست است. این یک اشتباه بسیار فاحش است. البته امپریالیسم ممکن است در لحظه معینی، به دلایل معینی خودش یک نوکر خودش را از بین ببرد. برای اینکه نوکر دیگری را روی کار بیاورد که بهتر از آن بتواند کار انجام بدهد. مثلاً در ویتنام نگودین دیم را با کودتای نظامی وان تیو از بین بردند، ولی این کار در یک لحظه خاصی انجام گرفت و آن هنگامی بود که نگودین دیم شروع کرده بود به جفتک انداختن. در نوکری نوکر بود، اما در اجرای سیاستی که امپریالیسم آمریکا در آن لحظه معین خواستار آن بود، تعلل می کرد. ولی سادات اینطور نبود. سادات گوش به فرمان ترین و سرسپرده ترین سیاستمدار و مجری سیاست

امپریالیسم آمریکا بود. هر چه را که امپریالیسم آمریکایی خواست دقیقاً انجام می داد و امپریالیسم آمریکا هیچ نیازی نداشت که چنین عاملی را از بین ببرد تا عاملی که برای اجرای همان نقشه به مراتب از او ضعیف تر است، روی کار بیاید. به راحتی می توان پیش بینی کرد که حسنی مبارک به هیچ وجه به اندازه سادات نمی تواند نقشه های دوران سادات را پیاده کند. چرا؟ برای اینکه سادات در یک مقام هم رزم جمال عبدالناصر، در یک مقام بسیار بالای اجتماعی، به پیاده کردن سیاست خائنانه خود پرداخت. او در قیام افسران انقلابی مصر شرکت داشت و همیشه دوش به دوش ناصر و معاون ناصر بود. او تا لحظه آخر، نزدیک ترین افراد مورد اطمینان جمال عبدالناصر یعنی مورد اطمینان شخصیتی بود که نه تنها مردم کشورهای عربی، بلکه تمام مردم ضد امپریالیست جهانی برای او به عنوان یک رجل سیاسی ضد امپریالیست احترام بسیار زیاد قایل بودند. سادات با یک چنین توشه ای وارد میدان سیاست شد. اما حسنی مبارک با چه توشه ای می آید؟ به عنوان یک جاسوس سیا، به عنوان کسی که هفته پیش در آمریکا بوده و از سیا دستور گرفته، از آقای ریگان دستور گرفته است. اگر سادات می رفت و یک آدم وحیه المله می آمد سرکار که می توانست مردم را گول بزند، آن وقت شاید می شد گفت که بله، این توطئه آمریکا بوده است. آمریکا ممکن است در کشور دیگری مثلاً در عراق چنین کاری انجام بدهد. ولی حتماً مهره های که می آید سرکار، باید خصوصیات غیر از خصوصیات مهره قبلی داشته باشد که بتواند نقش تازه ای بازی کند. اگر سادات به علت اینکه منفور بود برداشته می شد، نمی بایست کسی جایش بیاید که همان قدر و شاید هم بیشتر منفور است. حسنی مبارک همه صفات منفی سادات را دارد، بی آنکه بتواند بگوید من با ناصر و جزو قیام کنندگان علیه تسلط انگلیس و حاکمیت فاروق بودم. پس چنین برداشتی که سادات را امپریالیست های آمریکایی ترور کرده اند، برداشت زیان بخش و توهین به نیروهای انقلابی مصر است، توهین به قهرمانانی است که جان خود را با اقدام دلیرانه به اعدام انقلابی سادات به خطر انداختند. این یک عمل تاریخی است که باید با احترام عمیق از آن یاد کرد. البته ما معتقد نیستیم که اعدام انقلابی این یا آن عامل سرسپرده امپریالیسم، در این یا آن لحظه می تواند در تحول اوضاع نقش تعیین کننده داشته باشد. ما به هیچ وجه چنین عقیده ای نداریم. ولی می توان این فرض را داشت که اگر در جریان اوج گیری یک جنبش خلقی، مهره اصلی گرداننده جریان ضد خلقی، برداشته شود، در پیشرفت جنبش تاثیر داشته باشد. به این ترتیب ما این اعدام انقلابی را تایید می کنیم و نتایجش را مثبت می دانیم. از مجموعه شواهد همین چندروزه هم کاملاً دیده می شود که اعدام انقلابی سادات به نفع امپریالیسم آمریکا نبوده و برعکس به سود مبارزه ضد آمریکایی در مجموعه منطقه بوده است. ارتجاع منطقه و جهان و همه امپریالیست ها اعدام انقلابی سادات را فاجعه ای برای خود تلقی کردند

و واقعا هم عزادار شدند. از امپریالیسم آمریکا گرفته تا امپریالیست‌های فرانسه، آلمان غربی، انگلستان و غیره. ولی در میان مبارزان مصر و همه خلق‌های خاور نزدیک و میانه این عمل شور انقلابی تازه‌ای برای ادامه مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم ایجاد کرده است. در فلسطین، در لیبی، در لبنان، مردم بطور خودبخودی جشن گرفتند. و نمودارهای آن همه‌جا در کوچه‌ها، در محافل کارگری، در میان زحمتکشان شهروروستا چشمگیر بود. این نشانه‌ای است از امید به گسترش بیش از پیش مبارزه خلق‌ها علیه دشمن اصلی آنها یعنی امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم.

بمباران انبارهای نفتی کویت و تحریکات آمریکا

س: بمباران انبارهای نفتی کویت را در رابطه با تحریکات و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ج: همانطور که ما در اسناد کمیته مرکزی حزب بطور مشخص تحلیل کرده‌ایم، پس از شکست توطئه هفتم آمریکا برای مسخ کردن انقلاب ایران، و از جمله مسخ آن به وسیله بنی صدر و باند لیبرال‌ها و تمام همکارانشان یعنی رهبران مجاهدین و انواع گروهک‌های مائوئیستی و چپ‌نما، امپریالیسم آمریکا، چنان‌که انتظارش می‌رفت، توطئه هشتم را برای براندازی قهری جمهوری اسلامی ایران، برای نابودی دست‌آوردهای انقلابی ما، آغاز کرد. این توطئه قهرآمیز امپریالیسم هم از داخل کشور و هم از خارج کشور انجام می‌گیرد. در داخل کشور امپریالیسم و دستیارانش می‌کوشند از راه تزویج تروریسم کور، بی‌ثباتی و ناپایداری ایجاد کنند و با از بین بردن رهبران جمهوری اسلامی ایران نگذارند که جریان تثبیت و تحکیم انقلاب پا بگیرد. گروه‌های ضدانقلابی را بخصوص در نواحی مرزی ایران، در آذربایجان غربی، در کردستان، در بلوچستان مسلح می‌کنند، در داخل ارتش به فعالیت مشغولند، در خارج ارتش از ساواکی‌ها و افسران برکنار شده طاغوتی گروه‌های مسلح تشکیل می‌دهند. نقشه امپریالیسم این بوده که در لحظه معینی با بکار انداختن همه این عناصر بتواند حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را سرنگون کند. این نقشه هنوز هم به قوت خودش باقی است، منتها پیاده کردن آن با وجود نیروی انقلابی عظیمی که ۱۶ میلیونش در یک روز در یک رای‌گیری شرکت می‌کند، برای امپریالیسم آسان نیست. ولی این نقشه را دارد و یکی از عناصر آن هم این است که به شکلی از اشکال در جنوب ایران وضع تشنج‌آمیزی به وجود آورد تا بتواند به بهانه‌های گوناگون جنوب ایران را اشغال کند. مثلا به این بهانه که راه‌های نفتی به خطر افتاده، کشورهای همسایه در خطر تجاوز

ایران هستند و غیره. برای اینکار می توانند مثلاً یک کشتی را در خلیج فارس غرق کنند، یا به کویت حمله کنند و یا در تنگه هرمز فتنه‌ای برانگیزند. ما در تاریخ امپریالیسم آمریکا با این شیوه‌ها و انواع شیوه‌های دیگر آشنا هستیم، از جمله می دانیم که در خلیج خوک‌ها چه کردند؟ علیه کوبا چه توطئه‌هایی از این نوع ترتیب دادند؟ ما توطئه کشتن رهبران شیلی را دیدیم، در کنگو دیدیم چه جنایاتی مرتکب شدند، در کشورهای دیگر انواع دیگری از توطئه‌های آمریکایی را دیدیم. محتوای توطئه هشتم آمریکا - براندازی حاکمیت جمهوری اسلامی ایران از راه قهر است. این توطئه همچنان ادامه دارد.

همانطور که می دانیم و خبرگزاری‌های دنیا هم گفته‌اند، انواع باند‌های ضد انقلابی در خارج مشغول فعالیتند: در ترکیه باند‌های زیر فرمان آریانا، باند‌های شاه پرستان و افسران شاه پرست، در نزدیکی قاهره، در یک اردوگاه ۲۵۰۰ نفر از این فراری‌ها برای مداخله مسلحانه در ایران تعلیم می‌بینند، در پاکستان اردوگاه‌هایی درست کرده‌اند از بلوچ‌های مرتجع ضد جمهوری اسلامی ایران برای عملیات مسلحانه در ایران، در عمان چنین اردوگاه‌هایی درست شده و ما در مطبوعات خودمان اسم و آدرس و همه مشخصات آنها را که توسط دوستان ما در نقاط مختلف پیدا شده و فرستاده‌اند، منتشر کرده‌ایم. این توطئه در حال تکوین است و این که امپریالیسم چقدر وقت بتواند این توطئه را پیاده کند و اصلاً بتواند پیاده کند یا نه، بستگی دارد به یک عامل دیگر یعنی به ادامه مقاومت مردم ایران، مقاومت جمهوری اسلامی ایران چه از لحاظ عنصر مردمی، چه از لحاظ حاکمیت و نیز بستگی دارد به تمام جبهه جهانی نیروهای ضد امپریالیستی. ما مطمئن داریم که این عامل دوم یعنی جبهه سراسری ضد امپریالیستی در جهان می‌تواند در جلوگیری از ماجراجویی‌های دیوانه‌وار امپریالیسم آمریکا تأثیر زیاد داشته باشد. درست است که ریگان در قیاس با سایر زمامداران بعد از جنگ آمریکا، همانطور که یکی از نمایندگان مجلس از قول فیدل کاسترو نقل کرد و در روزنامه اطلاعات منتشر شد، فاشیست‌تر و احمق‌تر از همه زمامداران سلف خویش است، ولی، خوب، فاشیست‌ها و احمق‌ها راه‌ها را هم گاه انجام می‌زنند تا نتوانند همه آن کارهایی را که دلشان می‌خواهد انجام دهند. خوشبختانه جهان ما امروز چنان وضعی دارد که امپریالیسم آمریکا نمی‌تواند در همه جا همان چیزی را که دلش می‌خواهد پیاده کند. امپریالیست‌های آمریکایی در کار خود خیلی فرومایه، تب‌کار و آدمکش هستند، ولی خوب، امکاناتشان حدی دارد. مثلاً می‌دانیم که امپریالیسم آمریکا سال‌هاست می‌خواهد کوبا را انقلابی را که زیربنی‌اش در راه سوسیالیسم پیش می‌رود، از بین ببرد، ولی نمی‌تواند، چون وضع جهان کنونی چنین امکانی را به او نمی‌دهد. همچنین امپریالیسم آمریکا تمام تلاش خود را بکار برد تا ویتنام را در اسارت نگه دارد، ولی نتوانست. یا می‌دانیم که امپریالیست‌های جهانی سال‌ها

کوشیدند تا آنگولا و موزامبیک و این کشورها را در جنوب آفریقا زیر یوغ استعمار نگه دارند، ولی نتوانستند، زورشان نرسید. آمریکا چقدر کوشش می‌کند که رهبر لیبی را از بین ببرد و حاکمیت مردمی را در لیبی سرنگون کند، چقدر می‌کوشد یمن دمکراتیک کوچولو را زیر آوار و فشار سنگین کشورهایی چون مصر، سودان، عربستان سعودی از بین ببرد، ولی نمی‌تواند. این یعنی چه؟ یعنی در مقابل امپریالیسم جهانی قدرتی وجود دارد که به آن لجام می‌زند. این قدرت در درجه اول عزم راسخ خلق‌های این کشورها است که به هیچ‌وجه حاضر نیستند که تسلط امپریالیسم دومرتبه در کشورشان برقرار شود. ولی علاوه بر این قدرت، نیروی دیگری هم به صورت جبهه عظیم جهانی متحد ضد امپریالیستی هست که به این خلق‌ها در پایداری کمک می‌رساند، به آنها امکان می‌دهد که در مقابل هجوم وحشیانه امپریالیسم به سرکردگی آمریکا پا برجا بمانند. رهبران کشورهای این جبهه عظیم پایداری و از جمله فیدل کاسترو رهبر کوبا، له‌دوان رهبر ویتنام، سرهنگ قذافی رهبر لیبی، و نیز رهبران سوریه، جمهوری دمکراتیک خلق یمن و الجزایر بارها درباره این یاری بزرگ انترناسیونالیستی و ارزش عظیم آن داد سخن داده‌اند.

بله، امپریالیسم، البته، به این آسانی‌ها نمی‌تواند همه نقشه‌هایش را پیاده کند، ولی این دلیل نمی‌شود که ما فکر کنیم می‌توانیم راحت بخوابیم. نه، این امکان هم منتفی نیست که امپریالیسم در لحظه معینی بتواند به ماجراهای خطرناک و دیوانه‌وار دست بزند. سیاست خارجی آمریکا در زمینه این نوع دیوانگی‌ها تاکنون امتحانات برجسته‌ای داده است. با توجه به همین عوامل است که ما فکر می‌کنیم امپریالیسم در منطقه خلیج فارس به تدارک یک نقشه شیطانی و تجاوزگرانه مشغول است. اگر بخاطر داشته باشید قبل از تجاوز عراق به ایران هم ماهمین بیدارباش‌ها و هشدارها را ماه‌ها تکرار کردیم که آقا در جنوب ایران خبرهایی هست، امپریالیسم تدارک یک حمله را علیه ایران می‌بیند. البته ما دقیقاً نمی‌توانستیم بگوییم که این حمله کی و از کجا شروع خواهد شد، ولی درست یک روز قبل از هجوم خبر پیدا کردیم که طی همین چند روز آینده از راه‌ها، زمین و دریا ایران مورد تجاوز قرار می‌گیرد و این اطلاع را دادیم، هم در روزنامه هست و هم در خبرهایی که برای حاکمیت فرستادیم. حالا هم ما فکر می‌کنیم که امپریالیسم مشغول تدارک توطئه‌ای در خلیج فارس علیه ایران است و این بمباران‌انبارهای نفتی کویت هم عنصری از این توطئه است برای تدارک کار، برای آماده کردن افکار خلق‌های منطقه خلیج فارس و جلوه دادن مطلب به این صورت که گویا ایران در صدد تجاوز به آن‌ها است، ایران هیچ قانونی را محترم نمی‌شمرد، می‌خواهد همه‌جا را بمباران کند، همه از سوی ایران در خطر هستند و باید هر چه سریع‌تر جبهه ضد انقلابی خودشان را برای سرکوب انقلاب ایران تحکیم کنند. همه این کارها برای تدارک روانی و فکری مردم کشورهای این

منطقه و آماده کردن زمینه برای بازی‌های شیطانی امپریالیسم آمریکا است. حالاً جریان مصر در این توطئه می‌تواند دو گونه تأثیر داشته باشد. هم می‌تواند آمریکا را به تسریع این ماجراهای دیوانه‌وار وادارد و هم می‌تواند به تأمل وادارش کند. یعنی این دیگر به میزان ماجراجویی یا تعقل در رهبری آمریکا بستگی دارد که کدام یکیش در کدام لحظه بتواند بر دیگری فائق آید. داشتن اطلاعات دقیق امپریالیسم از واقعیت منطقه نیز در این امر موثر است. یعنی اگر امپریالیسم به این نتیجه برسد که در مصر خطر جدی وجود دارد، ممکن است به تغییر سریع در سیاست خود مجبور شود که در هر دو جهت می‌تواند انجام گیرد و ماباید این تغییر را در دو جهت انتظار داشته باشیم: در جهت تشدید تدارک یک حرکت و یک توطئه ضد-انقلابی، به قصد سرکوب جنبش خلق مصر و یا در جهت عقب‌نشینی - چنانچه امپریالیسم آمریکا به این نتیجه برسد که حرکت و توطئه ضدانقلابی با توجه به روحیات کنونی مبارزان انقلابی مصری موفقیتی نخواهد داشت و برعکس می‌تواند نتایج "اسفناک و فاجعه آمیزی" برایش به بار آورد. هر دو حالت ممکن و قابل پیش‌بینی است. و این که کدام یک از این دو حالت پیش آید، بستگی دارد به این که رهبری امپریالیستی آمریکا که در محاسبات خود معمولاً بیشتر به کامپیوتر اعتقاد دارد تا به عقل - کدام یک از این دو را برای تصمیم‌گیری رهنمون قرار خواهد داد: کامپیوتر یا عقل را که در رهبری آمریکا از کالاهای کمیاب است. اگر فقط از کامپیوتر مدد بگیرد، کامپیوترها ممکن است راهی ارائه دهند که گام گذاشتن در آن ماجراجویی خطرناک از کار درآید.

به این ترتیب این بهاران انبارهای نفتی کویت که پیش از اعدام انقلابی سادات صورت گرفته، حتماً به قصد تسریع تدارک برای انجام یک توطئه علیه ایران بوده است و حالاً پس از این اعدام انقلابی باید چهارچشمی مراقب بود، چون ممکن است که اعدام سادات بهانه‌ای شود به دست امپریالیسم آمریکا برای تشدید عملیات تجاوزکارانه در خاورمیانه نزدیک، برای تشدید تدارک توطئه علیه انقلاب ایران. از سوی دیگر این امکان هم وجود دارد که زمامداران آمریکا از ترس فعلاً کمی کوتاه بیایند و موقتاً به عقب‌نشینی‌هایی بدهند. هفته‌های آینده نشان خواهد داد که سیاست آمریکا عملاً در چه جهتی تکامل پیدا خواهد کرد.

درباره برخی موضع‌گیری‌های مخالف سیاست حزب

س: در خبرهایی که از اروپا رسیده، گفته شده است که رفیق اسکندری ضمن مسافرت‌های خود به کشورهای اروپایی، در گفت‌وگوهایش مواضعی اتخاذ می‌کند که با سیاست حزب هماهنگی ندارد و مجله‌ای به نام "المجله" که

وابسته است به عربستان سعودی و در لندن منتشر می شود، اخیرا در مقاله ای از تماس های رفیق اسکندری با علی امینی صحبت کرده است. نظر رهبری حزب در این مورد چیست؟

ج: این موضوع در هیئت سیاسی بررسی شد و برای رفع ابهاماتی که ممکن است این مسائل در مورد سیاست حزب در افکار عمومی ایجاد کند، قرار شد توضیح لازم داده شود. همانطور که رفقای حزبی قطعاً از مجموع برخوردهای سال های اخیر رفیق اسکندری اطلاع دارند، اختلاف نظر رفیق اسکندری با سیاست حزب مربوط به دوران اخیر نیست، او از پیش از انقلاب با سیاستی که رهبری حزب در مجموع خود آغاز کرده بود، اختلاف نظر جدی داشت. ولی پس از بحث های مفصل در رهبری حزب بالاخره او در پلنوم شانزدهم به نظر مجموع رهبری حزب تمکین کرد و به تمام اسناد پلنوم شانزدهم و از آن جمله به تحلیل حزب درباره انقلاب ایران، به موضع گیری حزب در قبال سایر نیروهای انقلابی ایران و به خط حزب در پشتیبانی از سمت گیری ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی رای مثبت داد. ولی پیروی او از این رای مثبت زیاد طول نکشید. رفیق اسکندری پس از اینکه به ایران آمد، در آن مصاحبه جنجالی با مجله "تهران مصور" که مورد اعتراض شدید رفقای حزبی قرار گرفت، باز هم همان نظریات خودش را که خلاف مواضع حزب بود، مطرح کرد، ولی سپس در بحثی که با او شد، خود را نادم نشان داد، اشتباه خود را پذیرفت و خواست که در این مورد رهبری حزب تصمیم بگیرد. رهبری حزب به اتفاق آراء با پیشنهاد طرح شده از طرف خوه رفیق اسکندری درباره اینکه فعلا از ایران خارج شود و فعالیت سیاسی نداشته باشد و به فعالیت فرهنگی، به ترجمه آثار مارکسیستی و غیره بپردازد، موافقت کرد، و البته او را از ترکیب هیئت سیاسی کنار گذاشت. این تصمیمات در پلنوم هفدهم به اتفاق آراء تمام رفقای شرکت کننده در پلنوم، مورد تایید قرار گرفت و قرار شد که رفیق اسکندری هیچگونه فعالیت سیاسی انجام ندهد. اخیرا اطلاع رسیده است که رفیق اسکندری باز همان مخالفت های خود را با خط اساسی سیاست حزب آغاز کرده است. به این جهت من باموریت دارم از طرف رهبری حزب رسماً اعلام کنم که این عمل رفیق اسکندری به هیچ وجه با سیاست حزب مطابقت ندارد، ما آن را نادرست می دانیم و محکوم می کنیم و ضمناً امیدواریم که او در این زمینه زیاد از راه حزب دور نشود. در غیر این صورت به تناسب آنچه که در آینده انجام گیرد، حزب حتماً تصمیمات جدیدی در این باره خواهد گرفت. ضمناً از هم اکنون بطور صریح اعلام می کنیم که اگر رفیق اسکندری در هر جا و در هر برخوردی، هر انحرافی از خط روشن رهبری حزب که در اسناد سیاسی حزب مشخص است، نشان دهد، صرفاً مربوط به شخص خود اوست و هیچگونه نمایندگی از سوی حزب و سخنگویی حزب را در هیچ جا به عهده ندارد.



انتشارات حزب توده ایران